

جرم سیاسی؛ گزارش...

جرم سیاسی؛ گزارش...

علی شکوهی

اواخر سال 90 یا اوایل سال 91 بود که یکی از دوستان ترتیبی داد تا جلسهای با یکی از معاونان بانفوذ قوه قضاییه داشته باشم. نیت این بود که هم آن مقام مسوول با بنده آشنا شود و حرفهای مرا بشنود و هم من حرفهای اعتراضی خودم را مطرح کنم و در نهایت مواضع دو طرف به یکدیگر نزدیک شود. بعد از سال 88 بود و طبعاً اختلافات زیادی بین مواضع سیاسی ما وجود داشت که امکان نزدیک کردن آنها کم بود. بحث به قانون جرم سیاسی کشیده شد و من معترضانه گفتم که نظام حاکم عزم به رسمیت شناختن مخالف و رعایت حقوق مخالفان را ندارد و به همین دلیل بعد از گذشت سه دهه از عمر نظام، هنوز قانون جرم سیاسی را تدوین نکرده‌اند تا بتوانند با مخالفان سیاسی خود هم به مثابه متهمان امنیتی مواجه شود و آنان را در دادگاه انقلاب و به صورت غیرعلنی محاکمه و محکوم کنند. همچنین تاکید کردم همه کسانی که مجرم سیاسی بودند اما به دلیل نبود قانون جرم سیاسی در جایگاه مجرم امنیتی قرار گرفته و محکوم شده‌اند، طلبکاران نظام هستند که باید از آنان اعاده حیثیت شود چون آنان گناهی نکردند که ما تاکنون قانون جرم سیاسی را تصویب نکرده‌ایم؟ آن معاون محترم قوه قضاییه طبعاً حرف مرا قبول نداشت و نبود قانون جرم سیاسی در کشور را نه ناشی از عزم سیاسی نظام بلکه به دلیل بی‌عرضگی مسوولان مربوطه میدانست. وی حین صحبت به من پیشنهاد کرد با قوه قضاییه قرارداد ببندم و یک لایحه پیشنهادی برای قانون جرم سیاسی را تهیه کنم تا قوه قضاییه آن را به دولت و مجلس ارجاع دهد و در نهایت تصویب شود. طبیعی بود که من دلیلی برای رد پیشنهاد ایشان نداشته باشم و همکاری با ایشان را بپذیرم با این توضیح که علی‌رغم اختلافات فی‌مابین، تصویب قانون جرم سیاسی یک گام بزرگ برای تامین حقوق مخالفان بود و اجرای قانون اساسی را در یکی از سرفصلهای مهم، میسر می‌کرد و این به نفع مردم و نیروهای سیاسی بود ولو آنکه به نام کسانی صورت بگیرد که به طیف سیاسی مورد قبول من تعلق نداشتند.

قرارداد منعقد و کار شروع شد. از همان ابتدا آن معاون محترم تاکید داشت که نباید قانون جرم سياسي تهيه شده مشابه قانوني باشد که در مجلس ششم تصويب شد چون آن قانون، نوعي جايزه دادن به مجرمان سياسي بود و ما نميخواهيم به آنان جايزه بدهيم. البته من بدون آنکه نتيجه کار را از قبل بدانم، تاکيد داشتم که ما با يك تيم کارشناس و متخصص به تهيه لايحه پيشنهادي اقدام خواهيم کرد و همه تلاشهاي قبلي را مدنظر قرار خواهيم داد و قوانين کشورهاي ديگر را هم بررسي ميکنيم و در نهايت با گفتوگوهاي فني با اهل فن، کار را به نحو احسن به پايان خواهيم برد و بنا بر اين از قبل نمي توانيم قول بدهيم که لايحه پيشنهادي ما شبیه لايحه مجلس ششم از آب در نياید يا بيايد. در واقع ما ميخواستيم دست به يك کار تازه بزنيم و طبيعي بود که از قبل هويت خودمان را در موافقت يا مخالفت با لايحه اي خاص تعريف نکنيم. البته قول داديم که مجرم سياسي را حتما مجرم خواهيم دانست و به آنها جايزه نخواهيم داد و بر محاکمه آنان مطابق قانون اصرار خواهيم داشت. اولين کار ما طبعاً بررسي روندي بود که لايحه جرم سياسي از قبل و بعد از انقلاب در ايران طي کرد. در بررسي اين روند متوجه شديم که شوراي نگهبان از همان ابتدا يعني در تعريف جرم سياسي، ايرادهاي اساسي را وارد دانسته و با غيرشرعي دانستن بسياري از مصاديق جرم سياسي، مانع تصويب قانون جرم سياسي شده است. البته مجلس بر مواضع خود اصرار کرده و کار به مجمع تشخيص مصلحت نظام ارجاع شده بود اما در آنجا هم عليرغم برگزاري جلسات متعدد براي بررسي محتوای لايحه و ماهيت اختلاف مجلس و شوراي نگهبان، باز اين کار ابتر رها شده بود و سرانجام از دستور کار مجمع خارج شد با اين استدلال که مطابق برنامه پنجساله، قوه قضاييه موظف به تهيه و تصويب قانون جرم سياسي شده است. بنا بر اين تمامي کارهاي قبلي را رها کردند تا قوه قضاييه مطابق قانون اقدام به تهيه لايحه جديد کند و ظاهراً تلاش ما در همين راستا صورت ميگرفت. ما از ابتدا معتقد بوديم که قانون اساسي منشور تاسيس حکومت نوپاي جمهوري اسلامي است و اين قانون حاکميت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا مي داند و تصريح ميکند که خداوند انسان را بر سرنوشت اجتماعي خویش حاکم ساخته و هيچ کس نمي تواند اين حق الهي را از انسان سلب کند يا در خدمت منافع فرد يا گروهی خاص قرار دهد (اصل 56). اين قانون حقوق ملت را به تفکيک بيان داشته و جهت تحکيم آن حقوق، قواعد خاصي را مقرر داشته است. اصل سوم قانون اساسي، تعهدات دولت را در زمينه محو هرگونه استبداد و خودکامگي و انحصارطلبي، تأمين آزاديهاي سياسي و اجتماعي، رفع تبعيضات ناروا، تأمين حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد، ايجاد امنيت قضايي

